

## نگرشی نو به گورهای کلان سنگی آذربایجان شرقی براساس یافته‌های محوطه زردخانه

مهدی کاظم پور

دانشجوی دکتری دانشگاه محقق اردبیلی اردبیل

دکتر بهروز عمرانی

عضو هیات علمی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

دکتر رضا رضالو

استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

(از ص ۱۵۵ تا ۱۷۴)

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۸/۱۳

### چکیده:

میزان گسترش قبور نوع کورگانی در محدوده وسیعی از آناتولی تا جنوب لوانت در طی هزاره‌های چهارم تا هزاره اول ق.م موضوعی بحث بر انگیز و گسترده است. بسیاری از محققان به دلیل گسترده نبودن مطالعات، برای توضیح این پدیده، در مناطق درون مرزی خصوصاً در استان‌های اردبیل و آذربایجان شرقی، ترکیبی از چند شاخصه از جمله مهاجرت اقوام، انتشار و تقلید سبک‌های خارجی را پیشنهاد کرده‌اند. محوطه زردخانه به دلیل قرارگیری در میان چندین قلعه اقماری کوچک که شواهدی از قبور نوع کورگانی، متعلق به دوره مفرغ تا آهن را ارائه می‌دهند و در حال حاضر ناشناخته مانده‌اند از اهمیت خاصی برخوردار بوده و احتمالاً در مرکزیت آن‌ها قرار داشته است. شواهدی از قبیل میزان پراکندگی اشیاء در کنار قبور، قرارگیری آن در کنار جاده مهم ارتباطی، وجود معادن غنی فلز و سنگ در اطراف آن، تغییر در ابعاد و همچنین موقعیت مکانی قبور نشان دهنده وجود نوعی سیستم اجتماعی پیشرفته و طبقه حاکمه در این منطقه است که طی برهه زمانی خاصی (هزاره دوم ق.م) ارتباط فرهنگی زیادی را با مناطق اطراف داشته و به نوعی برتری سیاسی و نظامی خود را بر آن‌ها اعمال می‌کرده است.

قبور این محوطه همگونی‌هایی با قبور نوع کورگانی متعلق به هزاره دوم ق.م، استان‌های اردبیل و آذربایجان شرقی و در مناطق برون مرزی با گورهای کلان سنگی ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان، جنوب روسیه و آناتولی نشان می‌دهند.

**واژه‌های کلیدی:** آذربایجان شرقی، محوطه زردخانه، عصر مفرغ، عصر آهن، قبور سنگی.

## مقدمه

شروع مطالعات منسجم باستان شناختی آذربایجان شرقی و مناطق پیرامونی آن (استان اردبیل) از سال ۱۳۸۴ اطلاعات سودمندی را در مورد فرهنگ هزاره دوم ق.م در اختیار محققان قرار داده است. از شاخصه های این فرهنگ در آذربایجان شرقی: ساخت گورهای نوع کلان سنگی است که طی فعالیت های باستان شناختی در گستره وسیعی از استان های اردبیل و آذربایجان شرقی بصورت خطی از شهرهایی از قبیل: اردبیل، سراب، هریس، اهر، کلیبر و ورزقان یافت شده اند. گورهای موجود که در ارتباط با قلعه های دفاعی، سفالهای متعلق به دوره مفرغ میانی، جدید و آهن قدیم یافت شده اند ارتباط زمانی و سنت فرهنگی مشابهی را با گورهای کلان سنگی و نوع کورگانی دوره مفرغ میانی، جدید و آهن قدیم ارمنستان، جمهوری آذربایجان، آناطولی، روسیه و اطراف دریاچه ارومیه نشان می دهند.

## موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه بین مختصات، X: 38 S 697545، Y: 4274134 با ارتفاع ۱۷۲۴ از سطح دریا، در استان آذربایجان شرقی و در فاصله ۲۲ کیلومتری شمال شرق شهرستان اهر واقع شده است (تصویر شماره ۱). توده های آتشفشانی که مواد خروجی آن قسمت عمده ای از منطقه را فرا گرفته موجب پیدایش ارتفاعات مهم کوهستانی و برفگیر در این منطقه شده است. به علت سخت بودن واحدهای سنگی، کوهستانی بودن و شیب زیاد منطقه، رودها اغلب دره های تنگ و باریکی را به وجود آورده اند. آبراهه های دائمی و میل های فصلی شبکه هیدروگرافی متراکم محدوده را تشکیل می دهند که روند عمده زهکشی آنها به طرف شمال شرق می باشد. آب این رودها و چشمه های زیاد پای کوهی این منطقه سرچشمه اصلی، رود دائمی و پرآب کجری به حساب می آیند. این منطقه نه تنها دارای زمین های حاصل خیز جهت کشاورزی است بلکه دارای چشمه های متعددی است که همه این چشمه ها در تمام فصول سال دارای آب زیاد هستند.

## پروژه زردخانه

این پروژه به سرپرستی تیم دانشگاه تهران و با همکاری تعدادی از دانشجویان رشته باستان شناسی در مورخه ۹۰/۳/۱۲ فعالیت های میدانی خود را در منطقه زردخانه آغاز و تا تاریخ ۹۰/۵/۵ به طور مستمر ادامه داشته است.

طی این بررسی، یک فضای نسبتاً عظیمی شامل خود محوطه زرد خانه و محیط پیرامونی آن به روش پیمایشی سیستماتیک مورد مطالعات باستان شناختی قرار گرفت. (به دلیل سهولت در عملیات بررسی و

کاوش و به دلیل وسعت زیاد منطقه مورد مطالعه، محوطه به سه تپه مجزا از هم تقسیم بندی و به ترتیب با حروف انگلیسی A, B, C نام گذاری گردیدند (تصویر شماره ۲).

طی این بررسی، ۱۴ قبر کلان سنگی در پشته‌های اطراف محوطه زردخانه، ۲۲ قبر کلان سنگی در اطراف تپه C و تعداد ۵۹ عدد قبر کلان سنگی نیز در اطراف تپه A شناسایی شد که برهه زمانی از اواخر دوره مفرغ و اوایل عصر آهن را در بر می‌گیرند (تصویر شماره ۳).

### از شاخصه های فرهنگ هزاره دوم قبل از میلاد در آذربایجان شرقی و مناطق پیرامونی:

الف: حضور قبور نوع کلان سنگی ب: استقرار در قلعه های دفاعی ج: سنت سفال خاکستری

الف: گورهای نوع کلان سنگی: این نوع قبور خود به قبور نوع کورگانی، چهارچینه سنگی، دلمن و قبور کاملا سنگی تقسیم بندی می‌شوند.

#### ۱- قبور نوع کورگانی

این نوع قبور، شامل یک گور مستطیلی شکل با ساختاری از سنگ‌های بزرگ در وسط و چیدمانی از سنگ به صورت دایره در اطراف است که محدوده آن را مشخص می‌کند. قطر این چیدمان های سنگی از ۷ تا ۱۰ متر متغیر است (تصاویر شماره ۴ و ۵). این قبور یا بر بالای پشته‌های طبیعی ساخته شده‌اند و یا به دلیل شکل ساختمانی خود، به حالت پشته درآمده‌اند. ابعاد این نوع قبور از ۳×۲ متر تا ۴×۳ متر متغیر بوده و برای ساخت دیوارها و پوشش سقف آن‌ها از سنگ‌های بزرگ یکپارچه بدون تراش استفاده شده است (طرح های شماره ۱ و ۲). از مهم‌ترین ویژگی قبور کورگانی این محوطه، وجود سنگ افراشت هایی بر بالای قبور است که ارتفاع آن‌ها از ۱ تا ۴ متر متغیر است. ابعاد متفاوت سنگ‌های یادمانی بالای قبور، به احتمال نشان از وجود جامعه‌ای با سیستم اجتماعی پیشرفته در این منطقه است که بر اساس آن برای اشخاص با رتبه اجتماعی بالا از سنگ‌های یادمانی در ابعاد بزرگ و برای افراد عادی از سنگ‌های یادمانی در ابعاد کوچک استفاده شده است.

پایان عصر مفرغ قدیم و آغاز دوره مفرغ میانی با تحولاتی اساسی همراه است که از جمله آن‌ها می‌توان به: تغییر در الگوی استقرار که مبتنی بر کوچروی و دامداری بوده (Smith et al. 2003: 10)، پیشرفت صنعت فلزکاری، ظهور سنت جدید تدفین (کورگان‌ها)، استفاده از ازابه و خالی شدن نواحی پست از سکنه و به جای آن اسکان در مناطق مرتفع اشاره نمود (Puturidze 2003: 114). رواج کورگان های اولیه مربوط به ۲۵۰۰ قبل از میلاد است که یک سبک زندگی مبتنی بر کوچروی و دامداری را نشان می‌دهند (Sagona 2004) (تصویر شماره ۶). مطالعات جدید بر روی کورگان های جنوب کوه های اورال در نزدیکی اورنبورگ که به

دنباله اوایل دوره برنز شکل گرفته بودند، ارتباط بین سرمایه گذاری در دفن و صحرانشینی را ثابت کرده است. یکی از ویژگی‌های اصلی فرهنگ نوع کورگانی، استفاده از سنگ‌های گول پیکر یکپارچه بزرگ جهت ساخت قبور به شمار می‌رود (تصاویر شماره ۷ و ۸). در درون مرزهای ایران کنونی این نوع قبور را می‌توان در اطراف قلعه‌های اقماری متعلق به دوره مفرغ جدید و آهن I آذربایجان شرقی (نیکنامی و کاظم پور ۱۳۹۰) (تصاویر شماره ۹ تا ۱۱) و استان اردبیل (تصاویر شماره ۱۲ و ۱۳) (رضالو، ۱۳۸۶؛ کامبخش فرد ۱۳۸۰ : ۳۲۸) به وفور مشاهده نمود.

این نوع قبور در مناطق برون مرزی در آناتولی از دوره مفرغ میانی تا آهن I (Belli and Konyar 2003)؛ Kuşnareva 1997)، جمهوری آذربایجان متعلق به دوره مفرغ میانی و جدید (تصویر شماره ۱۴) و ارمنستان از دوره مفرغ میانی تا آهن I (تصویر شماره ۱۵) (Smith et al. 2003) شناسایی شده‌اند. نمونه‌هایی از سنگ‌های یادبود مشابه منطقه زردخانه (تصویر شماره ۱۶)، به تعداد زیاد طی بررسی‌های اسمیت در ارمنستان (تصویر شماره ۱۷) و چارلز برنی در ناحیه مشکین شهر یافت شده‌اند (Ingraham and Summers 1979: 69). برنی این نوع سنگ‌های یادمانی را متعلق به قبایل کوچرو عصر آهن II می‌داند که دارای معماری شاخصی نبوده‌اند (Burney 1977). از جمله مواد فرهنگی اطراف این قبور می‌توان به قطعات سفال نخودی و خاکستری صیقلی، اشیاء مفرغی (تصویر شماره ۱۸)، ابسیدین (تصویر شماره ۱۹) و مهره‌های عقیق اشاره نمود.

## ۲- گورهای چهار چینه سنگی

برای ساخت این قبور ابتدا به عمق ۱/۵۰ سانتی متر زمین را کنده سپس کناره‌های آن را با سنگ‌های بزرگ و کوچک سنگچین کرده (بصورت خشکه چین) و از یک یا دو قطعه سنگ بزرگ نیز جهت پوشش سقف آن‌ها استفاده شده است (تصویر شماره ۲۰). پس از دفن اجساد، روی قبور با خاک پوشانده شده که همین امر حالت پشته مانند به قبور بخشیده است. گورها دارای ابعاد یکسانی هستند (تقریباً به عرض ۱/۵۰ و طول ۲ تا ۳ متر) و جهت همه آن‌ها شرقی- غربی است (تصویر شماره ۲۱). از جمله اشیاء پراکنده در اطراف این قبور می‌توان به سفال‌های نخودی، سیاه و خاکستری، اشیاء مفرغی و مهره‌های عقیق اشاره نمود.

صاحبان این نوع قبور در خط آذربایجان و بخشی از گیلان شرقی در کوهپایه‌ها مستقر بودند و به جهت نزدیکی کوهستان و استفاده از سنگ، قبور خود را به بهترین و بزرگترین شکل ممکن ساخته‌اند. گورهای چهار چینه سنگی دارای سابقه طولانی هستند که در فاصله زمانی متفاوتی از هم و در گستره جغرافیایی وسیعی از کرانه‌های دریای مازندران تا غرب و شمال غرب ایران گسترده شده‌اند. این نوع قبور نه تنها به تعداد زیاد در منطقه طالش متعلق به عصر آهن I، شمال ایران متعلق به هزاره اول ق. م (خلعتبری

۱۳۸۳ : ۱۱۶-۱۱۷)، شمال غرب) Rubinson, 1991: 390 (و غرب ایران گسترده شده‌اند بلکه در کشورهای همسایه از قبیل آناتولی) Kuşnareva 1997 (، ارمنستان) Smith et al. 2003 (و جمهوری آذربایجان نیز وجود چنین قبرهایی از دوران عصر مفرغ قدیم تا عصر آهن قدیم ثابت شده است. در اطراف دریاچه ارومیه نیز گورهایی با ساختار سنگی متعلق به دوره مفرغ و آهن در محوطه‌هایی از قبیل: گوی تپه (گور) (Dyson 1965 : 196) (دینخواه) : 35, Muscarella 1974: 62, Edwards 1986: 62)، هفتوان تپه (با آثاری از دیوارهای دفاعی متعلق به اواسط هزاره دوم ق.م همراه با تعدادی قبور) (Talaiani and Aliyari 2009: 89) شناسایی شده است.

### ۳- قبور نوع دلمن

در حین بررسی محوطه زردخانه تعدادی ساختارهای سنگی بر بالای پشته‌های طبیعی یافت شد که به دلیل ساختار متفاوت آن‌ها با قبور نوع کورگانی و چهارچینه سنگی، عنوان قبور نوع دلمن بر آن‌ها اطلاق گردید. این نوع قبور شامل چند تخته سنگ بزرگ عمودی چیده شده در کنار هم و یک یا دو تخته سنگ بزرگ به عنوان سقف بر روی آن‌ها است (تصویر شماره ۲۲).

این نوع قبور که فاقد سنگ افراشت هستند به دلیل نوع ساختارشان از سطح زمین بالا آمده و از سطح زمین نمایان هستند (تصویر شماره ۲۳). از جمله مواد فرهنگی موجود در اطراف این قبور می‌توان به قطعات اندک سفالی از نوع نخودی ساده اشاره نمود.

میزان پراکندگی قبور نوع دلمن بسیار زیاد است. تعداد زیادی از این نوع قبور در گستره وسیعی از مناطق جغرافیایی مثل: فرانسه، آفریقا و فلسطین یافت شده‌اند (Camps, 1990: 321). همچنین تعداد زیادی از این نوع قبور در آناتولی که برهه زمانی از دوره مفرغ تا آهن را در بر می‌گیرند شناسایی شده است (تصویر شماره ۲۴) (Yükmen, 2003).

ساده‌ترین نوع گور دلمن در لنکران آذربایجان یافت شده است (فهیمی ۱۳۸۱: ۱۰۱). از کرانه‌های جنوب غربی دریای مازندران در محوطه‌هایی همچون آق اولر، چیلخانه، حسن زمینی، واجالیک قالا تاش کپرد گورهایی از نوع دلمن یافت شده است که مربوط به عصر آهن I هستند.

### ۴- سایر قبور

در دل صخره‌های طبیعی تپه C، آثار فعالیت‌های انسانی جهت ساخت فضاهای معماری کاملاً صخره‌ای به چشم می‌خورد. برای ساخت این فضاها، پس از ایجاد یک فضای خالی به عمق ۷۰، طول ۲۰۰ و عرض ۱۰۰ سانتی متر بالای آن‌ها را با یک یا دو تخته سنگ بزرگ مسقف نموده‌اند که همین امر شکل گور دخمه‌ای به

آن‌ها بخشیده است. مسیر دسترسی به این فضاها راهروهای پیچ در پیچی است که در دل صخره‌ها کنده شده است. شکل و ساختار این قبور به دلیل فعالیت های عتیقه جویانه کاملاً آشفته گردیده است (تصاویر شماره ۲۵ و ۲۶).

### ب: استقرار در قلعه های دفاعی

به دنبال تغییرات صورت گرفته در دوره مفرغ میانی که اسکان در قلعه های دفاعی و مناطق کوهستانی جایگزین اسکان در دشت های فراخ گردیده بود ساخت دیوارهای سنگی در اطراف قلعه های دفاعی به میزان گسترده در مناطقی که شواهدی از استقرار دوره مفرغ میانی تا آهن I را ارائه می دهند مشاهده می شود. تمایل به اسکان در قلعه های کوهستانی و حضور دیوارهای دفاعی و به دنبال آن یافت تعداد کثیری ابزار جنگی مفرغی در داخل قبور اکثر محوطه های شناسایی شده مربوط به دوره مفرغ میانی، جدید و آهن I (Smith et al. 2003) نشان از برخورد و کشمکش های سیاسی بین حوامع این دوره است که به نحوی می خواستند کنترل و اعمال سیاسی خود را بر منطقه اعمال نمایند. این نوع دیوارهای دفاعی در آناتولی از دوره مفرغ میانی تا دوره آهن I (Belli, 1999؛ Kuşnareva, 1997؛ Belli and Konyar, 2003) و در ارمنستان از دوره مفرغ میانی تا آهن I (Smith et al., 2003) (تصویر ۱۸) گزارش شده است. تعداد کثیری از این نوع دیوارهای سنگی خشکه چین در بسیاری از قلعه های درون مرزی متعلق به دوره مفرغ جدید و آهن I استان های اردبیل (رضالو، ۱۳۸۶) و آذربایجان شرقی (نیکنامی و کاظم پور ۱۳۹۰) یافت شده است.

### ج: سنت سفال خاکستری و نخودی صیقلی

اطلاعات ما در مورد سفال های این مناطق محدود است به قطعات پراکنده سفالی که اکثر آن‌ها در طی بررسی بدست آمده اند و یا سفال هایی که قاچاقچیان در کنار قبور رها کرده اند. سفال های این مناطق، چرخ ساز و دارای شاموت شنی هستند و تمامی سفال‌ها با چرخ سفالگری ساخته شده اند. رنگ سطحی سفال‌ها عموماً نخودی، سیاه و سیاه متمایل به خاکستری است که در تعداد زیادی از آن‌ها، سطح براقی که در نتیجه ساییدن سطح ظرف با ابزاری سخت و صاف جهت صیقل کاری صورت گرفته قابل مشاهده است. یک نوع تزئین متداول بر این سفال‌ها همان نقش کنده است که عموماً این نوع نقوش فقط بر قسمت لبه و بدنه ظرف زده شده است. نقش‌ها عموماً بصورت خطوط زیگزاگی و افقی هستند. بیشترین تعداد سفال های موجود در این مناطق از نوع سفال های نخودی، سیاه و خاکستری صیقلی است. خمیر این نوع سفال‌ها خوب ورز داده شده و شاموت آن از نوع شن ریز است. اشکال رایج سفال‌ها عبارت است از: کاسه، بشقاب، کوزه، فنجان و خمره. تزئین با خطوط موازی افقی، تزئینات خطی متقاطع داغدار، تزئینات استامپی، تزئینات نقطه چین در

زیر لبه و بدنه سفال های خاکستری و نخودی در میان تزئینات متعلق به دوره آهن قدیم این مناطق، در اکثریت قرار دارند و از تزئینات رایج سفالهای دوره آهن قدیم این مناطق به شمار می آیند.

در شمال غرب ایران در این دوره (هزاره دوم ق.م) دو نوع فرهنگ سفالگری رایج می شود: ۱- فرهنگ سفال ارومیه ۲- فرهنگ سفال خابور.

• فرهنگ سفال ارومیه: این نوع سفال که دارای نقوش تک رنگ و چند رنگ هستند از هفتوان تپه (Edwards, 1981)، گوی تپه (Dyson, 1968) به دست آمده اند.

فرهنگ سفال خابور: آثار این سفال در تپه حسنلو و دینخواه شناسایی شده است که نشاندهنده نفوذ سنت سفالگری شمال بین النهرین است (Belli and Bahşaliyev 2001).

همچنین در این دوره، گونه ای از سفال منقوش در ناحیه نخجوان، جنوب آذربایجان (در حوضه دریاچه ارومیه) در شمال آذربایجان، شمال آناتولی، گرجستان و ارمنستان بدون هیچ تغییرات و تفاوتی دیده می شود (Özfirat, 2000). علاوه بر آن گونه دیگری از سفال های منقوش در حوزه دریاچه سوان و نخجوان مربوط به این دوره وجود دارد که توسط کوشناریوا به عنوان فرهنگ Sevan-Uzerliktepe نامگذاری شده است (Kuşnaryeva, 1993:163)

گونه دیگری از سفال های منقوش مربوط به این دوره معروف به فرهنگ تازه کند هستند که این فرهنگ محدوده ای از دره ارس تا ارمنستان را در برمی گیرد (Martirosyan, 1974: 38).

گونه دیگری از سفال های این دوره معروف به فرهنگ تریالییتی (Terialeti) هستند که از ناحیه چالکین (Čalkin) در گرجستان منشا گرفته و در گستره وسیعی تا بخش هایی از جنوب قفقاز پخش شده اند. این فرهنگ بوسیله سفال هایی از نوع سیاه صیقل داده شده با نقوش کنده قابل تشخیص هستند (Kuftin, 1941: 14).

فرهنگ وان- ارومیه یکی از مهمترین فرهنگ های موجود دوره مفرغ میانی است که سفال های منقوش شناسایی شده در اطراف دریاچه ارومیه از قبیل گوی تپه، هفتوان تپه، دینخواه و کردلر تپه (Čilingiroglu, 1984: 130) از این نوع سفال هستند.

در ارمنستان نیز سفال های دوره مفرغ میانی II به سه زیر مجموعه تقسیم بندی شده اند:

• سنت سفالی -Trialeti-، ۲- سنت Trialeti- Vanadzorzud، ۳- سنت Sevan- Uzerlik1

سفال های این دوره در ارمنستان معمولاً از نوع خاکستری، نخودی و سیاه بوده که معمولاً حرارت پخت آن ها ناکافی بوده و دارای شاموت ماسه خشن هستند (تصویر ۲۳). تزئینات موجود بر روی این سفالها معمولاً از نوع تزئینات کنده خطی بوده و همه آن ها صیقلی هستند (Smith et al. 2003).

از محوطه های مربوط به فرهنگ هزاره دوم ق.م آذربایجان شرقی و مناطق پیرامونی آن که در آن‌ها گورهای نوع کلان سنگی یافت شده است:

**شهر یری:** این محوطه در شرق شمال غرب ایران، در ۳۵ کیلومتری مشکین شهر از توابع اردبیل قرار گرفته است. بخش اعظم آثار شهر یری در روی تپه های طبیعی و صخره های نسبتاً مرتفع و بخش دیگر روی دشت در غرب رود قره سو و متصل به شمال روستای پیرازمیان قرار گرفته است. بررسی باستان‌شناسی منطقه مشکین شهر و محوطه شهر یری در سال ۱۹۷۸ توسط برنی انجام گرفته که نتیجه آن یافت سه محوطه مربوط به دوره کالکولتیک و قبور سنگی پراکنده متعلق به مردمان کوچرو و غیر یکجانشین (Ingrham and Summers 1979) بوده است.

**قلعه خسرو اردبیل:** این قلعه در ۲۸ کیلومتری شمال غربی شهر اردبیل واقع شده است. محوطه باستانی قلعه خسرو متشکل از دو قلعه و یک گورستان است که یکی از آن‌ها بر بالای کوه شوش داغی واقع شده و دیگری که بزرگتر بوده قلعه اول را نیز در برمیگیرد. قلعه مربوط به دوره مفرغ جدید، کوه شوش داغی را دربرگرفته و قلعه بالای کوه شوش داغی نیز مربوط به دوره آهن I است. محوطه گورستان در قسمت جنوبی قلعه و در محدوده ای به وسعت ۳۰۰ هکتار واقع شده است. گورهای این گورستان از نوع چهارچینه ای هستند. در گورستان قلعه خسرو تعداد ۴۲۹ گور شناسایی و شماره گذاری گردیده که اکثر آن‌ها بر روی پشته های مصنوعی ایجاد شده اند. جهت ساخت این قبور، ابتدا پشته‌ها را ایجاد کرده، سپس چاله ای بر روی این پشته‌ها کنده، داخل آن‌ها را با سنگ های بزرگ و متوسط سنگچین کرده و پس از دفن مرده سقف آنرا با سنگ های یکپارچه پوشش داده اند. این قبور برهه زمانی از دوره مفرغ جدید و آهن I را دربرمی گیرند (رضالو ۱۳۸۶).

#### مسجد کبود تبریز:

این محوطه که در خیابان امام و در شمال شرق بنای مسجد کبود زیر چندین متر رسوبات قرار گرفته است در سال ۱۳۷۸ توسط نصرت الله معتمدی و پس از آن در سال ۱۳۷۹-۸۲ توسط هژبری نوبری حفاری شده است. تعداد ۱۰۸ گور در این محوطه شناسایی شده که می‌توان آن‌ها را در سه گروه تقسیم بندی نمود: قبور نوع چاله ای شکل که بر روی آن‌ها توده ای سنگی به طور غیر منظم و یا در بعضی موارد دایره ای شکل قرار گرفته است. این قبور قابل مقایسه با قبور لمه (Fukai and Matsutani 1982) هستند، قبور نوع چاله ای شکل با توده ای سنگی قابل مقایسه با قبور لمه و قبور با سازه نعل اسبی شکل سنگی، خشتی و یا چینه ای مشابه دینخواه III و II (هژبری نوبری و صالحی گروسی ۱۳۸۴).



**بیجار:** در طی بررسی باستان شناختی شمال غرب ایران توسط سوینی به سال ۱۹۷۱ در منطقه بیجار قبرهایی با ساختارهایی از سنگ لاشه یافت شده است. اندازه این قبرها ۱.۵۰ در ۲ متر بود که روی آن‌ها را با سنگ های بزرگ لاشه مسدود کرده بودند. از داخل این قبرها اشیاء سفالی پیدا شده است که با سفال های عصر آهن I قابل مقایسه اند (Swiny 1975).

**محوطه های مربوط به فرهنگ هزاره دوم ق.م در بیرون از مرزهای سیاسی ایران که در آن‌ها گورهای کلان سنگی یافت شده است:**

ارمنستان: الار (Kuşnareva 1997)، (تساکویت) (Smith et al. 2003)، (جغاتسدوزور، سوتک) (Kuşnareva 1997)، (کرا، کول پال، گغاروت) (Smith et al., 2003)، (نورباک، ورین نور، لوری برد و هوروم. شرق آناتولی: قلعه و گورستان یورک، قلعه پاپا، قلعه و گورستان عاشق حسین، قلعه و گورستان پاپاز، قلعه و گورستان سوریگ، گورستان شیت تپه، قلعه و گورستان موسو (Belli and Konyar 2003) جمهوری آذربایجان: آقشال (Seydov 2003)، (اوغلان قلعه، اوزرلیک تپه- بابا تپه، پلوداغ، چالخان قلعه، شاه تختی) (Belli and Bahşaliyev 2001)، (شورتپه، قاراباغلار، قزا برون) (Kuşnareva, 1997)، (گازانچی، کرکی، کوکو، کولالی تپه، کولانی، کول تپه I و II، (نحجیر) (Abibullaev, 1959)، (کول تپه II، ماختی کول تپه، داشارخ، اوچولار تپه سی، حلاج، شورتپه، آرابانگیج، قارارکوپک تپه، گونش تپه، قارهونلو، توراگای تپه (Narimanov, 2004) (قارهونلو، گوی تپه، قاراهاجی، کول تپه) (Narimanov, 1992)، (اوج اوغلان، شورتپه، مینگه چاور، هانکندی) (Narimanov, 2004)، (بورسونلو، ات هانلار، عثمان بوزو، کچیلی، بابادرویش، مورد دایی، داش دوز، پادار، قابالا) (Narimanov, 2004)، (بالاشار، پیردیرکی، چوخوریورد) (Narimanov and Makhmudov, 1967)، (دایره، آپشرون، میشارچای، موغان) (Narimanov, 2004).

### گرجستان:

تریالتی:

شامل گورتپه هایی در سه گروه مفرغ میانی I، II و III است که توسط کوفتین حفاری شده اند. تعدادی از محققان وجود گورتپه های تریالتی (که هیچ نوع ارتباطی میان این فرهنگ با فرهنگ کورا ارس وجود ندارد) را نتیجه هجوم اقوام یا گروه های قومی جدید از خاور نزدیک در آغاز هزاره دوم ق.م می دانند (Rubinson 1991). از ویژگی های بارز این فرهنگ می توان به: استفاده از فلزات گرانبها، تکنیک های جدید

فلزکاری، ظهور سنت جدید تدفین، استفاده از گاری‌های چهارچرخ، تغییرات معیشتی و استقرار در نواحی کوهستانی (Puturidze 2003) اشاره نمود.

## نتیجه‌گیری

در اوایل هزاره سوم ق.م با افزایش جمعیت دره‌های قابل کشت، اقوام ساکن در این مناطق شروع به سکونت در کوهپایه‌ها و مناطق کوهستانی با قابلیت کوچروی نمودند، یعنی در محل‌هایی که سابقاً غیر مسکونی بودند. عمده سکونتگاه‌های مفرغ میانی، جدید و آهن I در مکان‌هایی ظاهر شدند که غیر قابل دسترس بوده و یا بطور طبیعی محافظت می‌شدند مانند بالاترین نقطه صخره‌ها، سرایشی طبیعی مناطق پست و لبه‌هایی که بخشی از آن‌ها توسط آب‌ها برش داده شده بود. علاوه بر این، غارها و صخره‌های برآمده نیز به عنوان سکونتگاه مورد استفاده قرار گرفت که به دلیل بررسی‌های بسیار پراکنده شاخصه‌های آن‌ها هنوز ناشناخته باقیمانده است. با شروع دوره مفرغ جدید محوطه‌های استقراری که در عصر مفرغ میانی تعداد آن‌ها بسیار کاهش یافته بود افزایش یافت. از جمله ویژگی‌های این دوران علاوه بر ظهور قلعه‌های بزرگ ظهور سنت جدید سفالگری (حضور سفال‌های به رنگ سیاه، خاکستری و نخودی) و تدفین نوع کورگانی است.

براساس مطالعات باستان‌شناختی در آذربایجان شرقی مشخص گردید که همزمان با دوره مفرغ میانی، جدید و آهن I، استقرار در این منطقه به نحو قابل توجهی افزایش می‌یابد. ساخت قبور نوع کورگانی، در گستره وسیعی از جمهوری آذربایجان، ارمنستان، آناتولی، آذربایجان شرقی و اردبیل یکی از سنت‌های غالب فرهنگ هزاره دوم قبل از میلاد این مناطق به شمار می‌آید.

در این دوره بر خلاف قبور نوع دل‌من، تعداد بسیار زیادی از قبور نوع کورگانی شاخصه دوره مفرغ جدید و آهن قدیم بصورت سازمان یافته در گورستان‌های اطراف تپه‌های مرتفع، شکل می‌گیرند. با نگاهی به محوطه‌های مناطقی که شواهدی از گورهای کلان سنگی متعلق به فرهنگ هزاره دوم ق.م را ارائه می‌دهند، اهمیت منطقه زردخانه از این جهت است که این منطقه از موارد نادر محوطه‌های دوره مفرغ جدید و آهن قدیم به شمار می‌آید که تعداد گورهای کلان سنگی آن نسبت به مناطقی که شواهدی از گورهای کلان سنگی را ارائه می‌دهند، بی سابقه بوده و به گونه‌ای موردی می‌تواند نه تنها در تبیین گذر از دوره مفرغ جدید به آهن بلکه در مطالعات شیوه تدفین، مراکز استقراری، الگوی استقرار، سیستم معیشتی و چگونگی رعایت سلسله مراتب اجتماعی این دوران چراغ راه محققان باشد.

## منابع:

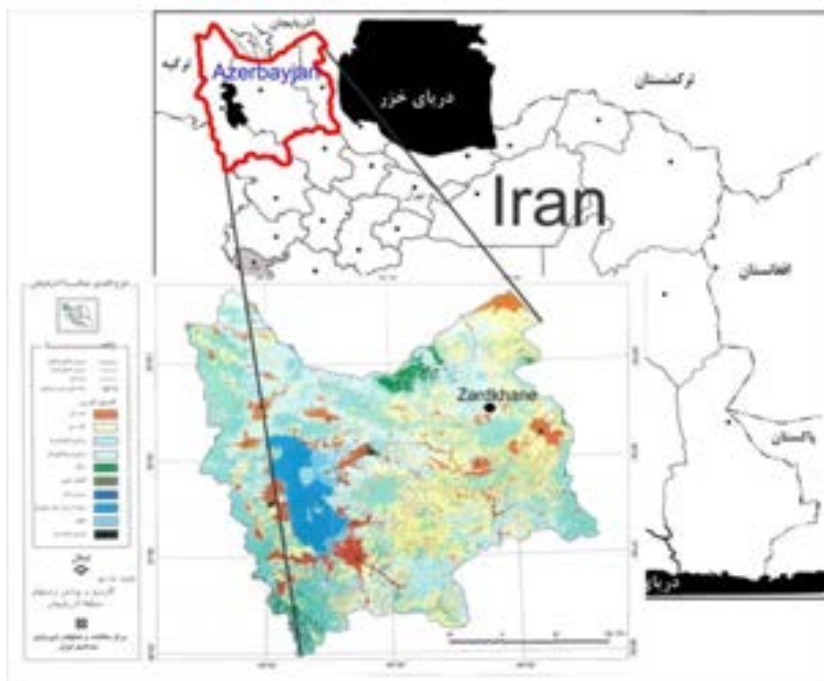
خلعتبری، محمد رضا، ۱۳۸۳، کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های تالش، اداره کل میراث فرهنگی گیلان.

رضالو، رضا، ۱۳۸۶، ظهور جوامع با ساختار سیاسی و اجتماعی در دوران مفرغ جدید در حوزه جنوبی رود ارس با بررسی موردی داده های باستان شناسی قلعه خسرو، پایان نامه دوره دکتری گرایش پیش از تاریخ دانشگاه تربیت مدرس تهران.  
فهیمی، سید حمید، ۱۳۸۱، فرهنگ عصر آهن در کرانه های جنوب غربی دریای خزر از دیدگاه باستان شناسی، ناشر سمیرا.  
کامبخش فرد، سیف ا...، ۱۳۸۰، آثار تاریخی ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).  
نیکنمی، کمال الدین، مهدی کاظم پور، ۱۳۹۰، گزارش باستان شناسی گمانه زنی و تعیین حریم محوطه زردخانه، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان آذربایجان شرقی.  
هژبری نوبری، علیرضا، مهناز صالحی گروسی، ۱۳۸۴، هنر سفالگری عصر آهن در گورستان مسجد کبود تبریز، باستان شناسی، شماره ۱، ۳۸-۳۰.

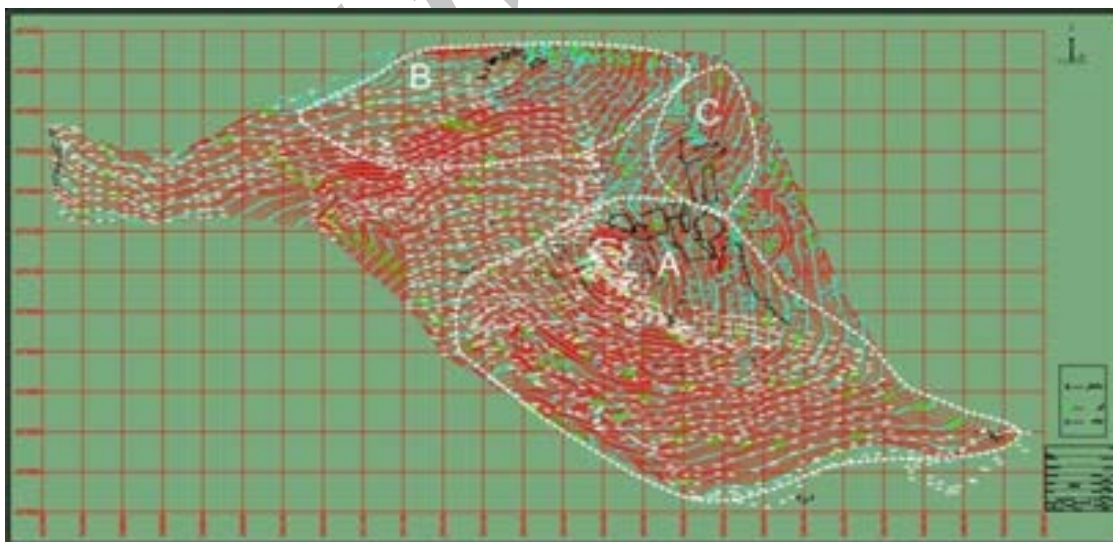
- Abibullaev, O. A., 1959, *Arkheologicheskieraskopki ve Kiultepe, Baku* (in Azerbaijan).
- Belli, Oktay, 1999, Dams, Reservoir and Irrigation Channels of the Van Plain in the Period of the Urartian Kingdom, *Anatolian Studies, Journal of the British Institute of Archaeology at Ankara*, Vol. 40, 11-54
- Belli, Oktay, Konyar, Erkan, 2003, *Dogu Anadolu Bolgesinde Erken Demir Cagi Kale ve Nekropolleri, Arkeolojive Sanat Yayinlari*
- Belli, Oktay, Bahşaliyev, Veli, 2001, *Nahçivan Blgesinde, Arkeolojive Sanat Yayinlari*.  
2001, *Middle and Late Bronze Age Painted Pottery Culture in the Nakhichevan Region*, Istanbul: Arkeolojive Sanat Yayinlari
- Burney, C.A., 1967, *The Excavation at Yanik Tepe Azerbaijan, Iraq XXVI*: 54-61.
- Burney, C., 1977, *The Ancient Near East*, Ithaca.
- Camps, C., 1990, *Manuel De Recherch Prehistorique, Deuxieme edition*, Doineditors, Paris, pp. 309-334
- Çilingiroğlu, A., 1984, *The Second Millennium Painted Pottery Tradition of the Van Lake Basin, Anatolian Studies 34*: 129-140.
- Dyson, R.H., 1965, *Problems of Protohistori Iran as Seen from Hasanlu, JNES 24*: 193-217.  
, 1989, *The Iron Age Architecture at Hasanlu, Expedition 31* )1-2(: 107-27.
- Edwards, M. R., 1981, *The Pottery of Haftavan VIB (Urmia Ware), Iran 19*: 101-114.  
, 1986, *Uremia Ware and its Distribution in North-Western Iran in the Second Millennium B.C, a Review of the Research of Excavations and Survey, Iran XXIV*, 46-65
- Fukai, S. Matsutani, T., 1982, *Halimehjan II, the Excavation at LamehZamin 1978*, Tokyo.
- Ingraham, M. L., Summers, G., 1979, *Settlements in the Meshkinshahr Plain, North- Eastern Azerbaijan, Iran, AMI*, 68-102.
- Kuftin, B. A., 1941, *Arkheologicheskie Raskopki v Trialeti I: Oput Periodizatsii Pamiatnikov*, Tbilisi
- Kuşnareva, K. K., 1997, *The Southern Caucasus in Prehistory, The University Museum University of Pennsylvania* و Philadelphia.
- Martirosyan, A. A., 1974, *Archaeological Monuments of Armenia, Argistihinili, Erevan*
- Muscarella, Oscar, White, 1974, *The Iron Age at Dinkhatepe, Iran, Metropolitan Museum Journal 9*: 35-90.

- Narimanov, I. G., 1992, The Earliest Agricultural Settlement in the Territory of Azerbaijan, *Soviet Anthropology and Archaeology* 30 (4): 9-66.
- , 2004 *Archaeological Sites of the Early Bronze Age in North Azerbaijan: A Gazetteer*, *Ancient Near Eastern Studies*: 468- 473.
- Narimanov, I. G., and Makhmudov, F. R., 1967, Eneoliticheskie Pamiatniki Mugani. *Izvestiia Akademii Nauk Azerbajjanskoi, SSR2 (SerialIstorii)*, Baku, 87-96.
- Özfirat, A., 2000, Dogu Anadolu da M.Ö. II. Binyil Kültürlerinin Araştirilmesi, Türkiye Arkeolojisi ve Istanbul Universitesi (1932-1999), (ed. O. Belli), Ankara, 359-362.
- Puturidze, M., 2003, Social and Economic Shift in the South Caucasian Middle Bronze Age, in: *Archaeology in the Borders and Investigations in Caucasia and Beyond*, A. T., Smith and K., Rubinson, (eds.), Los Angeles: the Cotsen institute archaeology at UCLA, 111-127
- Rubinson, K. S., 1991, A Mid-Second Millennium Tomb at DinkhaTepe, *American Journal of Archaeology*, 95: 375-94
- Seyidov, A. G., 2003, *Naxcivan VII-II Minilliklarda*, Baki: ELM.
- Sagona, A., 2004, Social Boundaries and Ritual Landscapes in Late Prehistoric Trans-Caucasus and Highland Anatolia in a View from the Highlands, *ANES, Supplement*, 12, 661-76.
- Smith. Adam. T., Ruben. S. Badalyan and Pavel, A. Avetisyan, 2003, Early Complex Societies in Southern Caucasia: A Preliminary Report on the Tsakahovit Plain, Republic of Armenia, *American Journal of Archaeology* 108 (1): 1-42.
- Swiney, S., 1975, Survey in North – West Iran 1971, *East and West* 25: 77-96.
- Talai, H., Aliyari, A., 2009, *Iranica Antiqua*, XLIV, 89-120.
- Yükmen, Bakiye, 2003, *Anadolu Megalitleeri*, Arkeoloji Ve Sanat Yayinlari

## تصاویر



تصویر شماره ۱: موقعیت محوطه زردخانه



تصویر شماره ۲: موقعیت تپه‌های محوطه زردخانه نسبت به یکدیگر



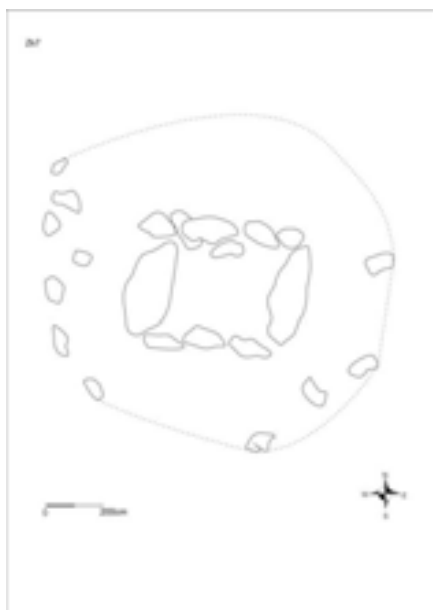
تصویر شماره ۳: نحوه پراکندگی آثار در داخل منطقه زردخانه



تصویر شماره ۵: قبر نوع کورگانی زردخانه



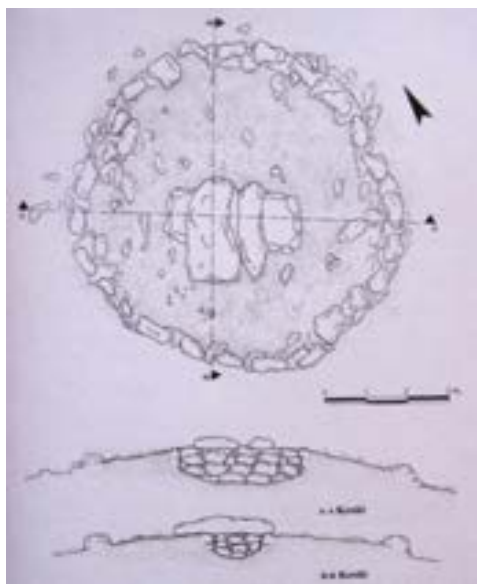
تصویر شماره ۴: قبر نوع کورگانی زردخانه



طرح شماره ۱: طرح قبر نوع کورگانی زردخانه



طرح شماره ۲: قبور نوع کورگانی محوطه زردخانه



تصویر شماره ۶: قبر نوع کورگانی آناتولی (Belli and Konyar, 2003: 23)



تصویر شماره ۸: ساختار درونی قبر کورگانی زردخانه



تصویر شماره ۷: قبر نوع کورگانی زردخانه





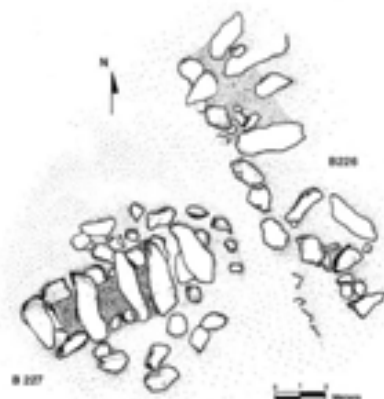
تصویر شماره ۹: قبر نوع کورگانی زردخانه تصویر شماره ۱۰: ساختار سنگچین اطراف قبر کورگانی زردخانه



تصویر شماره ۱۱: نمایی کلی از قبور نوع کورگانی زردخانه



تصویر شماره ۱۳: قبر نوع کورگانی بوینو  
یوغون (پورفرج، ۱۳۸۶)



تصویر شماره ۱۲: قبر نوع کورگانی  
استان اردبیل (رضالو، ۱۳۸۶)



تصویر شماره ۱۵: قبر نوع کورگانی  
ارمنستان (Smith, 2003)



تصویر شماره ۱۴: قبر نوع کورگانی در نخجوان  
(Belli and Bahşaliyev, 2001, 140)



تصویر شماره ۱۶: سنگ افراشته‌های بالای قبور زردخانه



تصویر شماره ۱۷: سنگ افراشته‌های بالای قبور در ارمنستان (Smith, 2003)



تصویر شماره ۱۹: افسیدین یافت  
شده از محوطه زردخانه



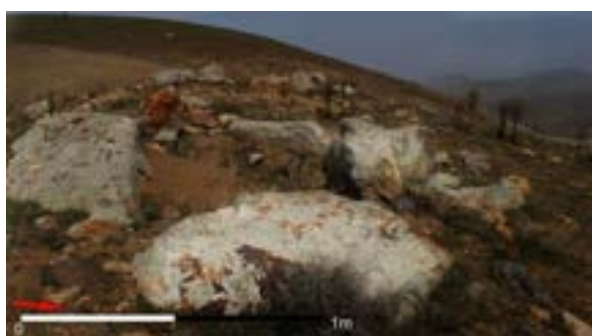
تصویر شماره ۱۸: النگوی مفرغی یافت  
شده از محوطه زردخانه



تصویر شماره ۲۱: ساختار درونی قبر نوع چهارچینه زردخانه



تصویر شماره ۲۰: قبر نوع چهار چینه سنگی زردخانه



تصویر شماره ۲۳: قبر نوع دلمن زردخانه



تصویر شماره ۲۲: قبر نوع دلمن زردخانه



تصویر شماره ۲۴: قبر نوع دلمن اناتولی (Yükmen, 2003: 100)



تصویر شماره ۲۶: قبر نوع دخمه ای زردخانه



تصویر شماره ۲۵: قبر نوع دخمه ای زردخانه

Archive of SID